

نفت برای امروز یا فردا؟

قمار بزرگ دولت چهاردهم روی انرژی

دولت چهاردهم کار خود را در شرایطی آغاز کرد که صنعت نفت ایران زیر فشار همزمان تحریم‌های هدفمند، ناترازی انرژی و فرسودگی زیرساخت‌ها قرار داشت؛ اما به جای تکرار مسیرهای گذشته، تلاش کرد با بازتعریف نقش نفت و گاز، این منابع را از یک ابزار درآمدی کوتاه‌مدت به اهرمی راهبردی برای امنیت انرژی و آینده اقتصاد ملی تبدیل کند.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: صنعت نفت در آغاز به کار دولت چهاردهم با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و انباشته روبه‌رو بود؛ از افت طبیعی فشار در میدان گازی پارس جنوبی و ناترازی فزاینده گاز گرفته تا محدودیت‌های شدید مالی، فرسودگی زیرساخت‌ها و تحریم‌هایی که این‌بار مستقیماً مدیران ارشد صنعت نفت را نشانه رفت.

تحریم وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، نشانه‌ای روشن از تغییر ماهیت فشارهای خارجی بود؛ فشارهایی که دیگر صرفاً صادرات را هدف نمی‌گرفت، بلکه ساختار تصمیم‌سازی و مدیریت انرژی کشور را نشانه رفته بود. در چنین فضایی، ادامه سیاست‌های گذشته نمی‌توانست پاسخ‌گوی شرایط جدید باشد و ضرورت بازنگری در جایگاه نفت بیش از پیش احساس می‌شد.

دولت چهاردهم با تکیه بر این واقعیت که ایران صرفاً دارنده ذخایر عظیم هیدروکربوری نیست، بلکه مسئول بهره‌برداری هوشمندانه و صیانتی از آن‌هاست، نگاه خود به نفت و گاز را تغییر داد. در این رویکرد، انرژی نه منبعی برای جبران کسری‌های کوتاه‌مدت، بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای تثبیت موقعیت ایران در آینده بازارهای انرژی و تقویت امنیت ملی تلقی شد.

بر همین اساس، شرکت ملی نفت ایران نقشه راه خود را بر سه محور افزایش پایدار تولید نفت و گاز، تسریع در توسعه میادین مشترک و اصلاح سازوکارهای جذب و به‌کارگیری سرمایه متمرکز کرد. این سیاست‌ها به سرعت از سطح برنامه‌ریزی فراتر رفت و در قالب پروژه‌های عملیاتی، قراردادهای توسعه‌ای و شاخص‌های قابل سنجش به اجرا درآمد.

در بخش نفت خام، افزایش تولید نه از مسیر تصمیم‌های شتاب‌زده و پرهزینه، بلکه با تمرکز بر بهینه‌سازی عملیات، توسعه هدفمند میادین و ارتقای زیرساخت‌ها دنبال شد. اجرای طرح‌های نگهداشت و افزایش تولید، راه‌اندازی چاه‌های جدید و رفع گلوگاه‌های فرآورش در مناطق مختلف، به افزایش ظرفیت تولید و پایداری صادرات انجامید. توسعه میادین غرب کارون، آزادگان و یاران، همراه با بهبود خطوط انتقال و تأسیسات فرآورش، نقش مهمی در تثبیت تولید کشور ایفا کرد.

در حوزه گاز طبیعی نیز، دولت چهاردهم رویکردی فعال و مداخله‌گرانه در پیش گرفت. ثبت رکوردهای جدید در تولید روزانه گاز، به‌ویژه در میدان پارس جنوبی، نشان داد که تمرکز بر تعمیرات اساسی، حفاری هدفمند و راه‌اندازی چاه‌های جدید می‌تواند بخشی از ناترازی انرژی کشور را کنترل کند. پارس جنوبی همچنان ستون اصلی تأمین گاز ایران باقی ماند و سهم غالب تولید را به خود اختصاص داد.

با این حال، تمایز اصلی این دوره در نگاه بلندمدت به آینده میدان‌های گازی نمایان شد. آغاز طرح‌های فشارافزایی پارس جنوبی با قراردادهای چند ده میلیارد دلاری و اتکا به توان پیمانکاران داخلی، نشانه عبور از مدیریت کوتاه‌مدت و ورود به سطح تصمیم‌گیری‌های راهبردی بود؛ تصمیم‌هایی که آثار اقتصادی و امنیتی آن‌ها در دهه‌های آینده نمایان خواهد شد. هم‌زمان، برنامه‌ریزی برای توسعه ظرفیت‌های ذخیره‌سازی گاز نیز به‌عنوان ابزاری برای افزایش تاب‌آوری انرژی کشور در دستور کار قرار گرفت.

در مجموع، عملکرد شرکت ملی نفت ایران در دولت چهاردهم را می‌توان تلاشی برای فاصله گرفتن از نقش سنتی «تأمین‌کننده درآمد» و حرکت به سمت ایفای نقش یک بازیگر راهبردی در اقتصاد ملی ارزیابی کرد؛ مسیری که اگرچه همچنان با چالش‌هایی جدی همراه است، اما نشانه‌های روشنی از تغییر رویکرد، افزایش جسارت در تصمیم‌گیری و نگاه بلندمدت به منابع انرژی کشور در آن دیده می‌شود. تداوم این مسیر می‌تواند تعریف تازه‌ای از جایگاه نفت در اقتصاد ایران رقم بزند.